



Medical Ethics and Law
Research Center

Tārīkh-i pizishkī i.e., Medical History

2025; 17: e14

Shahid Beheshti
University of Medical Sciences

A Study of the Life, Works and Thoughts of Sadr al-Din Ali Gilani Hindi; a Prominent Physician of the 11th Century AH

Jamal Rezaei Orimi¹, Azam Khosravi², Maryam Shoshtari Yeganeh³, Ali Jafari², Seyed Abdollah Mahmoudi²,
Seyyed Amir Hosein Latifi², Mohammad Hosein Asadi^{4*}

1. Research Center for Traditional Medicine and History of Medical Sciences, Mazandaran University of Medical Sciences, Sari, Iran.
2. Traditional and Complementary Medicine Research Center (TCMRC), Arak University of Medical Sciences, Arak, Iran.
3. Department of Traditional Medicine, Faculty of Iranian Medicine, Shahed University, Tehran, Iran.
4. Department of the History of Medical Sciences, Institute for Studies in Medicine History, Persian and Complementary Medicine, Iran University of medical Science, Tehran, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: The medical history of Iran, particularly in Gilan, has a long-standing tradition. Hakim Sadr al-Din Ali Gilani Hindi, a renowned scholar and physician of the 11th century Hijri (962-1018 AH), migrated to India during the Safavid era. This research aims to study his life, thoughts and scientific works.

Methods: In this descriptive research, data collection was carried out using a library method and by studying historical texts and sources

Ethical Considerations: In this research, the ethical aspects of library study including the authenticity of the text, honesty and trustworthiness have been observed

Results: The findings indicate that Hakim Gilani, after completing his preliminary medical education under Hakim-al-Mulk Shams al-Din Gilani and Hakim Lotfollah Shirazi, migrated to India by Akbarshah's invitation. There, he served as a physician, advisor, and politician in the imperial court. His mastery of various sciences, such as medicine, mathematics, physics and mechanics, established him as one of the most prominent scientific figures of his era. The titles "Galen of the Age" and "Second Plato", which were attributed to him, attest to this claim. Hakim Gilani left behind valuable works in the field of medicine, among which can be mentioned "Risalah fi al-Tib" (Treatise on Medicine), "Mujarrabat" (Experiments) and "Sharh Kulliyat al-Qanun".

Conclusion: Hakim Gilani, a prominent physician and scholar from Gilan, took a significant step in the development and advancement of medical knowledge through his writings and scientific activities. This research revealed that he was not only a skilled physician but also a multifaceted thinker and scientist. Studying the life and achievements of this distinguished sage can contribute to a better understanding of the history of medicine, scientific and cultural exchanges among civilizations, as well as the importance of preserving and developing traditional medicine.

Keywords: Hakim Gilani Hindi; Medical History; Biography; Physicians Migration; Iran

Corresponding Author: Mohammad Hosein Asadi; **Email:** m.h.asadi3530@gmail.com

Received: August 06, 2024; **Accepted:** March 07, 2025; **Published Online:** August 28, 2025

Please cite this article as:

Rezaei Orimi J, Khosravi A, Shoshtari Yeganeh M, Jafari A, Mahmoudi SA, Latifi SAH, Asadi MH. A Study of the Life, Works and Thoughts of Sadr al-Din Ali Gilani Hindi; a Prominent Physician of the 11th Century AH. *Tārīkh-i pizishkī, i.e., Medical History*. 2025; 17: e14.



مجله تاریخ پزشکی

دوره هفدهم، ۱۴۰۴



بررسی زندگی، آثار و اندیشه‌های حکیم صدرالدین علی گیلانی هندی؛ پزشک برجسته قرن یازدهم هجری

جمال رضایی اوریمی^۱ ID، اعظم خسروی^۲، مریم شوشتری یگانه^۳، علی جعفری^۴، سیدعبداله محمودی^۴،سیدامیرحسین لطیفی^۴، محمدحسین اسدی^۴ ID*

۱. مرکز تحقیقات طب سنتی و تاریخ علوم پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران.

۲. مرکز تحقیقات طب سنتی و مکمل، دانشگاه علوم پزشکی اراک، اراک، ایران.

۳. گروه طب سنتی، دانشکده طب ایرانی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران.

۴. گروه تاریخ علوم پزشکی، مرکز مطالعات تاریخ پزشکی، طب سنتی و مکمل، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: تاریخ پزشکی ایران، به ویژه در منطقه گیلان، سابقه‌ای دیرینه دارد. حکیم صدرالدین علی گیلانی هندی، از دانشمندان و پزشکان معروف قرن یازدهم قمری (۱۰۱۸-۹۶۲ ق.) است که در عهد صفویه به هند مهاجرت کرد. هدف از این پژوهش بررسی زندگی، اندیشه‌ها و آثار علمی این حکیم برجسته ایرانی است.

روش: در این پژوهش توصیفی گردآوری داده‌ها به روش کتابخانه‌ای و با مطالعه متون و منابع تاریخی انجام پذیرفته است.

ملاحظات اخلاقی: در تحقیق حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متن، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که حکیم گیلانی پس از گذراندن تحصیلات مقدماتی طب نزد حکیم‌الملک شمس‌الدین گیلانی و حکیم لطف‌الله شیرازی، به دعوت اکبرشاه به هند مهاجرت کرد و به عنوان پزشک، مشاور و سیاستمدار در دربار او مشغول به کار شد. تسلط او بر علوم مختلف مانند پزشکی، ریاضیات، فیزیک و مکانیک، وی را به یکی از برجسته‌ترین شخصیت‌های علمی عصر خویش تبدیل کرد. القاب «جالینوس زمان» و «افلاطون ثانی» که به او اطلاق می‌شد، گواهی بر این مدعاست. حکیم گیلانی آثار ارزشمندی در زمینه پزشکی از خود به یادگار گذاشت که از آن جمله می‌توان به «رساله فی الطب»، «مجربات» و «شرح کلیات قانون» اشاره کرد.

نتیجه‌گیری: حکیم گیلانی، پزشک و دانشمند برجسته گیلان، با تألیفات و فعالیت‌های علمی خود، گامی مهم در توسعه و ارتقای دانش پزشکی برداشت. این پژوهش نشان داد که وی نه تنها پزشکی حاذق، بلکه یک متفکر و دانشمند چندوجهی بود. مطالعه زندگی و دستاوردهای این حکیم برجسته می‌تواند به درک بهتر از تاریخ پزشکی، تبادلات علمی و فرهنگی میان تمدن‌ها و همچنین اهمیت حفظ و توسعه طب سنتی کمک نماید.

واژگان کلیدی: حکیم گیلانی هندی؛ تاریخ پزشکی؛ زندگی‌نامه؛ مهاجرت پزشکان؛ ایران

نویسنده مسئول: محمدحسین اسدی؛ پست الکترونیک: m.h.asadi3530@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۱۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۱۷؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۶/۰۶

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Rezaei Orimi J, Khosravi A, Shoshtari Yeganeh M, Jafari A, Mahmoudi SA, Latifi SAH, Asadi MH. A Study of the Life, Works and Thoughts of Sadr al-Din Ali Gilani Hindi; a Prominent Physician of the 11th Century AH. *Tārīkh-i pizishkī*, i.e., *Medical History*. 2025; 17: e14.

مقدمه

تاریخ پزشکی ایران، به ویژه در منطقه گیلان، سابقه‌ای دیرینه و غنی دارد (۱). پزشکان گیلانی با دانش گسترده و مهارت‌های فراوان خود، نقش مهمی در انتقال دانش پزشکی به سایر مناطق، از جمله شبه‌قاره هند، ایفا کرده‌اند (۲). مهاجرت پزشکان گیلانی به هندوستان که در دوره‌های مختلف تاریخی صورت گرفته، به عنوان یک جریان علمی و فرهنگی قابل توجه شناخته می‌شود. این پزشکان با حضور در دربار پادشاهان هندی، نه تنها به درمان بیماران می‌پرداختند، بلکه به آموزش و ترویج دانش پزشکی نیز اهتمام می‌ورزیدند و از این طریق، سهم بسزایی در توسعه و ارتقای سطح سلامت در هند داشتند (۳-۴).

حکیم صدرالدین علی گیلانی هندی (۱۰۱۸-۹۶۲ ق. / ۱۶۰۹-۱۵۵۴ م.)، یکی از برجسته‌ترین پزشکان و دانشمندان دوره صفویه بود که در گیلان متولد شد (۵). وی پس از فراگیری علوم پزشکی به هند مهاجرت کرد و در دربار اکبرشاه به شهری چشم‌گیر دست یافت (۶). حکیم گیلانی به دلیل تسلط بر مبانی نظری و عملی طب، دستاوردهای قابل توجهی در این حوزه از خود به یادگار گذاشت. از جمله آثار متعدد او در زمینه پزشکی می‌توان به «رساله فی الطب»، «السؤال و الجواب»، «الشفاء العاجل (درمان فوری)»، «شرح کلیات القانون» و «مجربات حکیم علی گیلانی» اشاره کرد (۷-۸).

تاکنون تحقیقات جامعی در مورد شرح احوال و آثار علمی حکیم گیلانی انجام نشده است. سیریل الگود (Cyril Elgood) در پژوهشی با عنوان «طب در دوره صفویه» ضمن بررسی پزشکان مهاجر دوره صفویه و رسوخ طب ایران در هند، به بررسی شرح احوال حکیم گیلانی پرداخته است (۹). در این تحقیق تنها برخی آثار حکیم گیلانی، یعنی «شرح قانون» و «مجربات» معرفی شده است. سیدحسین رضوی برقی در پژوهشی با عنوان «درآمدی بر داروشناسی و داروسازی از صفویه تا دارالفنون» که در سال ۱۳۸۴ در کتاب «علوم محضه از آغاز صفویه تا تأسیس دارالفنون» منتشر شده، به بررسی شرح احوال و ویژگی آثار حکیم گیلانی پرداخته

است (۱۰). همچنین حکیم سیدظل‌الرحمن (۱۳۸۳ ش.) در پژوهشی با عنوان «قانون ابن سینا، شارحان و مترجمان آن» (۸)، حکیم سیدکوثرعلی جاندپوری (۱۳۹۰ ش.) در تحقیقی تحت عنوان «تاریخ پزشکی دوران حکومت مغولان هند» (۷) و حکیم نیر واسطی (۱۳۸۲ ش.) در پژوهش «تاریخ روابط پزشکی ایران و پاکستان» (۱۱) به بررسی کوتاه زندگینامه حکیم گیلانی پرداختند، ولی نتوانستند به طور کامل شخصیت علمی و آثار و اندیشه‌های این حکیم گیلانی را مورد بررسی قرار دهند. حسین (۱۹۹۷ م.) در پژوهش «حکیم علی گیلانی: شارح قانون ابن سینا» با استناد به منابع تاریخی، به معرفی شخصیت علمی و عملی حکیم علی گیلانی، به ویژه تفسیر او بر کتاب قانون ابن سینا می‌پردازد (۱۲). در تحقیقات دیگری نیز به بخشی از زندگی و آثار این حکیم فرزانه اشاره شده است (۲، ۴، ۶). مقاله حاضر بر آن است از روزنه متون طبی و تاریخی، شخصیت علمی و آثار و اندیشه‌های حکیم گیلانی را توصیف و تحلیل کند.

روش

در این تحقیق گردآوری منابع و مآخذ بر اساس روش کتابخانه‌ای با محوریت آثار حکیم گیلانی، انجام شد و سپس اطلاعات به دست‌آمده مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. برای دستیابی به اطلاعات و پژوهش‌های نوین، واژگان کلیدی به زبان فارسی و انگلیسی، در پایگاه‌های اطلاعاتی Scopus، Science Direct، Google Scholar و SID جستجو و مقالاتی مرتبط با هدف پژوهش، انتخاب و پس از مطالعه، فیش‌برداری شدند. در نهایت با بهره‌گیری از اطلاعات به دست‌آمده از سایر تحقیقات، رابطه بین متغیرهای تحقیق بررسی و دستاوردهای پژوهش به شیوه توصیفی - تحلیلی ارائه گردید.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

یافته‌ها

۱. شرح احوال و زندگینامه حکیم گیلانی: حکیم صدرالدین علی گیلانی هندی در سال ۹۶۲ قمری (۱۵۵۴ م.) در گیلان متولد شد (۱۲). وی تحصیلات ابتدایی طب را در زادگاهش نزد دایی خود، حکیم‌الملک شمس‌الدین گیلانی فراگرفت و سپس نزد حکیم لطف‌الله شیرازی به اتمام رساند (۱۱). با استناد به کتاب «منتخب‌التواریخ» نوشته ملاعبدالقادر بداونی، حکیم‌الملک شمس‌الدین گیلانی الگویی برجسته و نوآور در آموزش پزشکی و فردی ساعی و پرتلاش محسوب می‌شد (۵). اوضاع ناامن و بحران‌زده گیلان سبب مهاجرت بسیاری از حکیمان و پزشکان این منطقه شده بود. تبعید خان احمد گیلانی (حک ۱۰۰۰-۹۴۳ ق. / ۱۵۹۱-۱۵۳۶ م.)، آخرین امیر سلسله کیاییان، به قلعه قهقهه در سال ۹۷۵ قمری (۱۵۶۷ م.) و سپس بازگشت کوتاه‌مدت او به قدرت و در نهایت سقوط حکومت کیایی‌ها در سال ۱۰۰۰ قمری (۱۵۹۱ م.) بر اثر حمله شاه‌عباس صفوی (حک ۱۰۳۸-۹۹۶ ق. / ۱۶۲۸-۱۵۸۷ م.)، از جمله رویدادهای مهم و تأثیرگذار بر تصمیم حکیم گیلانی برای ترک گیلان بود (۱۱، ۱۴-۱۳).

حکیم گیلانی پس از مهاجرت به هند فرصت یافت تا به تحصیلات خود ادامه دهد. وی مدتی را در دربار دکن گذراند و تحت تعلیم امیر فتح‌الله شیرازی (متوفی ۹۹۷ ق. / ۱۵۸۸ م.) به فراگیری طب و ریاضیات پرداخت. همچنین در محضر شیخ عبدالنبی بن شیخ احمد گنگوهی به مطالعه علوم نقلی مشغول شد (۶). شهرت روزافزون حکیم گیلانی نظر اکبرشاه (حک ۱۵۵۶ ق. / ۱۶۰۵ م.) را به خود جلب کرد و او را از دکن به دهلی فراخواند. اکبرشاه، حکیم گیلانی را به عنوان پزشک، مشاور شخصی و سیاستمدار دربار خود منصوب کرد (۷، ۱۵). حکیم گیلانی در ابتدای حضور در دربار اکبرشاه، با آزمونی دشوار مواجه شد. اکبرشاه سه ظرف ادرار را پیش روی او گذاشت و از او خواست تا بیماری هر یک را تشخیص دهد.

مهارت و دقت حکیم گیلانی در تشخیص بیماری‌ها، تحسین اکبرشاه را برانگیخت و باعث شد تا وی به عنوان پزشک مورد اعتماد دربار و خانواده سلطنتی شناخته شود. ثروت، احترام و اعتمادی که حکیم گیلانی نزد اکبرشاه کسب کرد، در میان پزشکان هم عصر او بی‌نظیر بود (۸-۷).

حکیم گیلانی با وجود داشتن مذهب شیعه در دربار سنی و متمسک گورکانی، اما به سبب هوش و دانش خود علاوه بر طبابت به فعالیت‌های سیاسی نیز می‌پرداخت (۱۶)، تا جایی که به مقام صدارت ایالت بیجاپور منصوب و به عنوان سفیر علی عادل‌شاه به این ایالت اعزام گردید. با این حال، به دلیل وقوع حادثه قتل علی عادل‌شاه در سال ۹۸۸ قمری (۱۵۸۰ م.)، مجبور به بازگشت به دهلی شد. اکبرشاه، حکیم گیلانی را به عنوان سفیر خود نزد یوسف‌شاه، فرمانروای کشمیر فرستاد. وی دو ماه در سری‌نگر اقامت کرد و سپس در سال ۹۹۳ ق. / ۱۵۸۵ م. به حسن ابدال بازگشت. در سال ۱۰۰۴ قمری (۱۵۹۶ م.) اکبرشاه به پاس خدمات حکیم گیلانی، منصب هفت‌صدی و لقب «جالینوس زمان» را به وی اعطا کرد. شایان ذکر است که حکیم گیلانی در دوران حکومت جهانگیر نیز، به منصب دو هزاری ارتقا یافته بود (۷، ۱۱).

حکیم گیلانی به عنوان یک پزشک انسان‌دوست، همواره به امور خیرخواهانه توجه ویژه‌ای داشت. یکی از سنت‌های رایج در میان پزشکان آن دوره، اهدای بخشی از درآمد خود به صورت دارو به نیازمندان و فقرا بود. حکیم گیلانی نیز به این سنت پایبند بود و سالانه مبلغ قابل توجهی را صرف تهیه و توزیع دارو برای افراد بی‌بضاعت می‌کرد (۱۸).

در میان فرزندان حکیم گیلانی، تنها حکیم عبدالوهاب به حرفه پزشکی روی آورد، اما برخلاف پدر، به دلیل خیانت و طمع‌کاری، نام و شهرت خانوادگی را لکه‌دار کرد. به همین دلیل در دادگاهی که در دوران سلطنت جهانگیر برگزار شد، محکوم و از منصبش معزول شد و اموالش توقیف گشت. حکیم گیلانی سرانجام در روز جمعه، پنجم محرم‌الحرام سال ۱۰۱۸ قمری (۱۰ آوریل ۱۶۰۹ م.) در هند درگذشت و در همانجا به خاک سپرده شد (۱۵، ۱۸).

جهانگیرشاه به همراه مشاوران خود از این سازه بازدید به عمل آورد (۱۱، ۱۳، ۲۴).

حکیم علی گیلانی افزون بر تبحر در پزشکی و مهندسی، در حوزه تاریخ‌نگاری نیز پیشگام بود. او به همراه عبدالقادر بدوانی، بخشی از کتاب ارزشمند «تاریخ الفی» را نگارش کرد و رویدادهای سه دهه نخست پس از رحلت پیامبر اکرم (ص) را ثبت نمود. این اثر برجسته حاصل همکاری گروهی هفت‌نفره از پژوهشگران بود که سرانجام توسط ملاحمد تتوی (درگذشت ۹۹۶ ق. / ۱۵۸۷ م.) و آصف‌خان میرزا قوام‌الدین جعفر بیگ قزوینی (درگذشت: ۱۰۲۱ ق.) به پایان رسید (۲۶-۲۵).

۳. جایگاه حکیم گیلانی در دانش پزشکی: حکیم گیلانی به واسطه مهارت و دانش گسترده در پزشکی، شهرت فراوانی داشت. مؤلف کتاب «مآثرالامراء» در توصیف شیوه درمان‌های وی می‌نویسد: «معالجات دست‌بسته او موجب حیرت عالمیان می‌شد» (۱۹). او به عنوان یکی از برجسته‌ترین پزشکان عصر خود شناخته می‌شد و در سال ۱۰۰۱ قمری (۱۵۹۳ م.) لقب «پزشک جهان» را دریافت کرد (۱۱). وی نخستین کسی بود که حرکت دودی (Peristaltic Movement) در دستگاه گوارش را به صورت علمی توصیف نمود (۱۸). همچنین فرمول‌های دارویی متعددی ابداع کرد که برخی از آنها تا امروز در طب سنتی هند کاربرد دارند (۱۵).

ورود حکیم گیلانی به دربار اکبرشاه، تحولی چشم‌گیر در نظام پزشکی دربار پدید آورد. دانش و مهارت او چنان بود که پزشکان رقیب، بیماران ساختگی را برای آزمایش توانایی‌هایش نزد وی می‌فرستادند. با این حال، حکیم گیلانی با نگاهی دقیق و شگفت‌انگیز، سلامت این بیماران را تشخیص می‌داد. این موضوع گواهی بر نبوغ خارق‌العاده و تسلط بی‌چون و چرای او بر دانش پزشکی است (۵، ۱۱).

در سال ۱۰۰۳ قمری (۱۵۹۵ م.) فیض دکنی (Abu al-Faiz ibn Mubarak) (۱۵۹۵-۱۵۴۷ م.) شاعر نامدار، به بیماری صرع مبتلا شد. با وجود حضور پزشکان برجسته در دربار، اکبرشاه شخصاً نیمه‌شب به خانه حکیم گیلانی رفت و او را

۲. جایگاه حکیم گیلانی در علوم مختلف: حکیم علی گیلانی تنها به دانش پزشکی محدود نبود و در حوزه‌های مختلف علمی، از جمله ریاضیات، مکانیک و علوم عربی نیز تبحر داشت. دانش گسترده او چنان شگفت‌انگیز بود که نورالدین جهانگیر، پسر اکبرشاه، در نخستین ملاقات با وی، از عمق دانشش حیرت کرد. این تسلط کم‌نظیر بر علوم گوناگون سبب شد هم‌عصرانش او را «افلاطون ثانی» لقب دهند (۱۹).

از شاهکارهای مهندسی و علمی حکیم گیلانی، می‌توان به ساخت «حوض علی» در سال ۱۰۰۱ قمری (۱۵۹۳ م.) در لاهور اشاره کرد. این حوض عظیم با ابعاد ۲۰ متر در ۲۰ متر و عمق ۶ متر، از مصالح گران‌قیمت ساخته شده بود. نکته جالب توجه، وجود اتاقکی در میانه حوض بود که سقفی به شکل برج داشت و چهار پل به آن متصل می‌شد. طراحی این اتاقک به گونه‌ای بود که با باز شدن درها، آب به داخل آن راه نمی‌یافت (۲۱-۲۰).

میرحیدر علی، مورخ و نویسنده، روایتی جالب از این سازه شگفت‌انگیز دارد. او می‌نویسد: «شاه اکبر که به امور عجیب و غریب علاقه داشت، وقتی شنید حکیم گیلانی این حوض را ساخته است، خواست شخصاً از آن بازدید کند. او لخت شد و از طریق آب وارد اتاقک شد. اتاقکی مشاهده کرد با گنجایش ۱۰ تا ۱۲ نفر، بسیار آراسته و روشن که تخت‌خواب، غذا و طاقچه‌ای با چند کتاب در آن قرار داشت. شگفت‌انگیز آن بود که فشار هوا مانع ورود حتی یک قطره آب به داخل اتاقک می‌شد (۲۲). این روایت گواهی بر دانش عمیق حکیم گیلانی در فیزیک و مهندسی است. به عبارت دیگر، ساختار حوض علی و ویژگی‌های منحصر به فرد آن، نشان‌دهنده تسلط پیشرفته او بر هیدرواستاتیک، مهندسی سازه و احتمالاً آشنایی با مفاهیم اولیه فشار هوا است. جلوگیری از نفوذ آب به اتاقک، می‌تواند حاصل طراحی دقیق دهانه‌های ورودی، استفاده از مصالح ویژه، یا ایجاد یک سیستم تهویه زیرآبی بوده باشد (۷، ۲۳). حکیم گیلانی همچنین در سال (۱۰۱۶ ق. / ۱۶۰۷ م.) اقدام به ساخت حوضی دیگر در شهر آگره نمود که

برای درمان فیض فراخواند. این رویداد نشان‌دهنده اعتماد مطلق اکبرشاه به حکیم گیلانی و مهارت و تجربه او در درمان بیماری‌های دشوار است (۱۱).

یکی از انتقادات مطرح‌شده به روش درمانی حکیم گیلانی، به بیماری و درگذشت اکبرشاه گورکانی مربوط می‌شود. اسناد تاریخی متعددی از درمان‌های انجام‌شده بر روی اکبرشاه توسط حکیم گیلانی موجود می‌باشد (۲۷). در سال ۱۰۱۳ قمری (۱۶۰۵ م.) اکبرشاه به تب شدید و اسهال خونی مبتلا شد و از حکیم گیلانی کمک خواست. حکیم گیلانی به مدت هشت روز از تجویز هرگونه دارو خودداری کرد و پیش‌بینی نمود که بهبودی او طبیعی خواهد بود. با این حال، وضعیت اکبرشاه رو به وخامت گذاشت و پس از ده روز، حتی درمان‌های متداول نیز بی‌اثر ماند. در ادامه، حکیم گیلانی داروی قابض قوی تجویز کرد که به درد شدید شکمی در اکبرشاه انجامید. برای کاهش درد، مسهل تجویز شد، اما بدن ضعیف و سالخورده اکبرشاه تاب تحمل درمان‌های تهاجمی را نداشت و در نهایت به مرگ وی منجر گردید (۱۱، ۲۸).

پس از درگذشت ناگهانی جلال‌الدین اکبرشاه گورکانی در سال ۱۰۱۳ قمری (۱۶۰۵ م.)، حکیم گیلانی، پزشک ویژه دربار، با اتهاماتی از جمله مسموم کردن شاه مواجه شد. این اتهامات که عمدتاً توسط رقیبان و برای اهداف سیاسی طرح شده بودند، او را وادار به فرار از دربار کردند. شایعاتی درباره دخالت حکیم گیلانی در قتل ابوالفضل خان (وزیر نزدیک اکبرشاه) و تحریک شاهزاده جهانگیر به شورش علیه پدر، به سرعت در دربار و میان مردم گسترش یافت. با این حال، پژوهش‌های تاریخی نشان می‌دهند هیچ سند معتبری برای اثبات این اتهامات وجود ندارد (۱۱).

علیرغم اتهامات ناروای واردشده، حکیم گیلانی پس از مدت کوتاهی تبرئه شد و با اعطای منصب دو هزاری از سوی جهانگیرشاه، به دربار بازگشت. با توجه به شواهد موجود، علت اصلی مرگ اکبرشاه را می‌توان ترکیبی از کهولت سن، پیشروی ناگهانی بیماری و بی‌توجهی به دستورات پزشکی دانست، البته نقش توطئه‌های درباری و رقابت‌های سیاسی را

نیز نباید نادیده گرفت. با این همه، به نظر می‌رسد اتهام مسمومیت حکیم گیلانی بیشتر برای تضعیف جایگاه او و ایجاد هرج و مرج در دربار مطرح شده بود (۸-۷).

درمان حکیم امیر فتح‌الله شیرازی، دانشمند برجسته ایرانی، نیز بر عهده حکیم گیلانی گذاشته شد. حکیم شیرازی در سفر همراه با اکبرشاه به کشمیر در سال ۹۹۷ قمری (۱۵۸۹ م.)، به تب روده مبتلا شد. با توجه به جایگاه علمی و اجتماعی او، حکیم گیلانی (برادرزاده و شاگردش) مسئول درمان وی شد، اما شیرازی برخلاف توصیه‌های پزشکی، به مصرف بی‌رویه گوشت‌های ادویه‌دار ادامه داد که این کار موجب تشدید تب مطبقه، احتمالاً سوراخ شدن روده و در نهایت درگذشت او گردید (۱۵).

۴. شاگردان حکیم گیلانی: حکیم گیلانی، پزشک و دانشمند نامدار ایرانی، در طول زندگی پر بار خود شاگردان بسیاری را پرورش داد که هر یک در حوزه‌های گوناگون علمی به جایگاه‌های بلندی دست یافتند. از شاگردان برجسته او می‌توان به حکیم صدرای شیرازی اشاره کرد. حکیم صدرای شیرازی، فرزند فخرالدین شیرازی (پزشک دربار شاه طهماسب صفوی)، تحصیلات ابتدایی خود را در شیراز نزد محمدباقر، پسر عمادالدین، گذراند، سپس برای تکمیل دانش پزشکی به هند سفر کرد و نزد حکیم گیلانی به آموختن علوم پزشکی پرداخت و پس از کسب مهارت‌های لازم، به عنوان پزشک ویژه جهانگیرشاه (پادشاه گورکانی) انتخاب شد و لقب «مسیح‌الزمان» را دریافت کرد (۹).

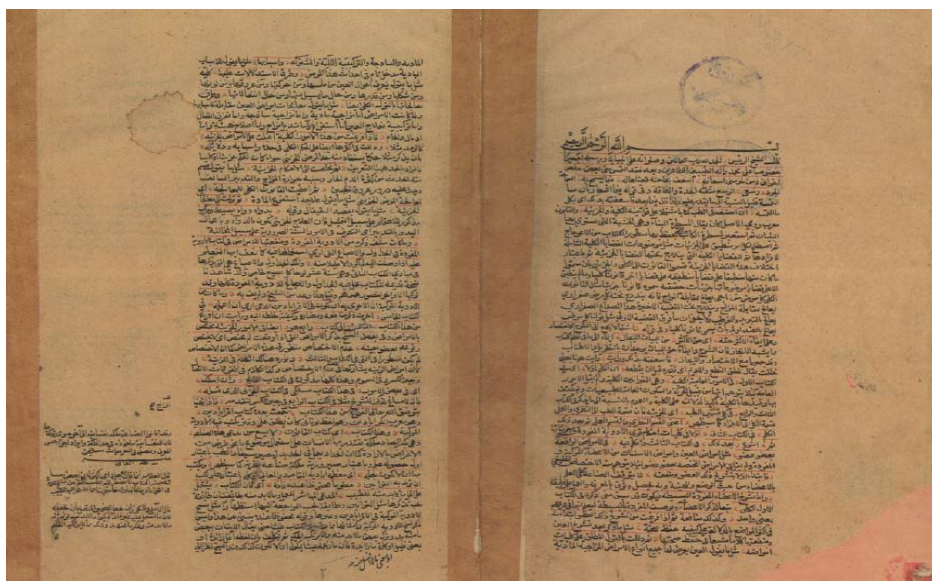
از دیگر شاگردان مشهور حکیم گیلانی، حکیم میرمحمدهاشم گیلانی (پسر حکیم میرمحمدقاسم گیلانی) است. او تحصیلاتش را نزد حکیم گیلانی به پایان رساند و به یکی از پزشکان سرشناس دوران خود تبدیل شد (۱۵).

۵. آثار علمی حکیم گیلانی: از تألیفات پزشکی حکیم گیلانی می‌توان به آثار زیر اشاره نمود:

۵-۱. شرح کلیات قانون: «شرح کلیات قانون» یکی از برجسته‌ترین آثار حکیم گیلانی است که در پنج جلد به زبان عربی تدوین و به عنوان یکی از جامع‌ترین شرح‌ها بر «قانون»

این سینا شناخته شده است (۲۹-۳۰). جلد نخست با تمرکز بر مبانی نظری پزشکی، به بررسی اسباب و علل بیماری‌ها، بهداشت فردی و عمومی، علائم بالینی، نبض‌شناسی، ارادرشناسی و تغذیه با تأکید بر نیازهای سالمندان می‌پردازد. جلد دوم و سوم به طور اختصاصی به داروشناسی پرداخته و در آن‌ها گیاهان دارویی، مواد معدنی و حیوانی با ذکر خواص درمانی و کاربرد در درمان بیماری‌های مختلف معرفی شده‌اند. جلد چهارم به بررسی بیماری‌های تب‌دار، بیماری‌های پوستی، انواع سموم و پادزهرها و جلد پنجم نیز به طور کامل به قرابادین که مجموعه‌ای از دستورالعمل‌های دارویی است، اختصاص یافته است (۳۰). این اثر ارزشمند از روی نسخه هندی با عنوان «شرح قانون» (شرح گیلانی) از سوی مؤسسه مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل دانشگاه علوم پزشکی ایران و با کوشش محمدمهدی اصفهانی در سال ۱۳۸۸ شمسی (۲۰۰۹ م.) چاپ شده است (۳۳). نسخه‌های دیگری هم از این اثر وجود دارد که برای آگاهی از آن‌ها می‌توان به کتاب «قانون ابن سینا، شارحان و مترجمان آن» رجوع کرد (۸). این اثر به سرعت در میان اهل علم رواج یافت و به عنوان منبعی معتبر در کتب بعدی همچون «زادالمسافرین» اثر محمدمهدی بن علی تقی شریف (تألیف در سال ۱۱۴۱ ق.)، «قرابادین کبیر» و «قرابادین کبیر» یا «ذخائرالتراکیب» اثر محمدهسین عقیلی (نگاشته‌شده در سال ۱۱۹۵ ق.)، مورد استناد قرار گرفت. انگیزه اصلی حکیم گیلانی از نگارش این شرح، دفاع از نظریات ابن سینا در برابر نقدهای واردشده از سوی ابن نفیس در «شرح تشریح قانون» بود. وی با ارائه پاسخ‌های مستدل به انتقادات ابن نفیس کوشید تا جایگاه «قانون» ابن سینا را در حوزه پزشکی تثبیت نماید (۱۱). حکیم گیلانی را پس از ابن نفیس، می‌توان دومین شارح بزرگ «قانون» ابن سینا دانست که با شرح جامع و دفاعیه مستدل خود، سهم به‌سزایی در ترویج و حفظ میراث علمی ابن سینا داشته است (۱۱).

این اثر اولین تفسیر دقیق و مفصل از «قانون» ابن سینا است که در زمان حیات او نوشته شد. در این اثر، حکیم گیلانی به شرح و تفسیر مفصلی از مبانی نظری پزشکی، اسباب و علل بیماری‌ها، بهداشت فردی و عمومی، علائم بالینی، نبض‌شناسی، ارادرشناسی و تغذیه با تأکید بر نیازهای سالمندان می‌پردازد. جلد دوم و سوم به طور اختصاصی به داروشناسی پرداخته و در آن‌ها گیاهان دارویی، مواد معدنی و حیوانی با ذکر خواص درمانی و کاربرد در درمان بیماری‌های مختلف معرفی شده‌اند. جلد چهارم به بررسی بیماری‌های تب‌دار، بیماری‌های پوستی، انواع سموم و پادزهرها و جلد پنجم نیز به طور کامل به قرابادین که مجموعه‌ای از دستورالعمل‌های دارویی است، اختصاص یافته است (۳۰). این اثر ارزشمند از روی نسخه هندی با عنوان «شرح قانون» (شرح گیلانی) از سوی مؤسسه مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل دانشگاه علوم پزشکی ایران و با کوشش محمدمهدی اصفهانی در سال ۱۳۹۰ شمسی (۲۰۱۱ م.) به چاپ رسیده است (۳۱). علاوه همراه با کتاب «شرح کلیات» حکیم شمس‌الدین محمد بن محمود آملی (متوفی بعد از ۷۳۵ ق./ ۱۳۳۴ م.) در سال ۱۲۶۸ قمری (۱۸۴۸ م.) با عنوان «جامع‌الشرحین» به صورت چاپ سنگی در لکنه هند منتشر شده است (۱۱، ۳۲). تصویر همین کتاب با عنوان «جامع‌الشرحین» (شامل دو کتاب قانون



تصویر ۱: صفحه اول و دوم نسخه خطی «شرح کلیات قانون» اثر حکیم علی گیلانی هندی به شماره ۱۰-۱۰۰۳۴ موجود در کتابخانه مجلس

شورای اسلامی (۳۰)

بحث

تاریخ پزشکی ایران، به عنوان یکی از قدیمی‌ترین و غنی‌ترین سنت‌های پزشکی در جهان، نقشی بنیادین در شکل‌دهی دانش پزشکی اسلامی و انتقال آن به سایر فرهنگ‌ها داشته است (۳۸-۳۶). این سنت پزشکی با تکیه بر متون کلاسیک همچون آثار ابن سینا و رازی و تلفیق دانش نظری با تجربه‌های بالینی، توانسته است نظام‌های پزشکی چندوجهی و پویا را در گستره جغرافیایی وسیعی توسعه دهد (۴۳-۳۹). پژوهش‌های متعدد، نشان داده‌اند که این دانش به صورت مستمر در حال تحول و انطباق با شرایط بومی و فرهنگی مناطق مختلف بوده و در این فرآیند، تعاملات تمدنی میان ایران و هند نقش محوری ایفا کرده است (۳، ۶). بررسی این مسیر تاریخی، زمینه‌ساز درک بهتر جایگاه پزشکان و حکما در جوامع اسلامی - شرقی و فهم نقش آن‌ها در بازتولید و انتقال دانش پزشکی است.

تحلیل حاضر، صدرالدین علی گیلانی هندی را نه فقط به مثابه یک طبیب کارآزموده، بلکه به عنوان یک کارگزار دانشی (Knowledge Agent) چندوجهی در بستر تعاملات تمدنی ایران و هند بازمی‌نماید (۶، ۱۴). یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که حکیم گیلانی با بهره‌گیری از سنت ابن سینایی و ترکیب آن با تجربه‌گرایی بالینی (Clinical Empiricism)، موفق به بازتولید یک نظام معرفتی پزشکی (Medical Knowledge System) شد که هم در بستر اندیشه اسلامی ریشه داشت و هم در فضای چندقومیتی و چنددینی دربار گورکانی قابلیت انطباق یافت (۱۲، ۱۸، ۲۳).

آثار شاخص او، نظیر شرح کلیات قانون و مجربات، گواهی بر توانایی او در تولید دانش کاربردی (Applied Knowledge Production) در عرصه پزشکی سنتی است؛ دانشی که از سطح نظری عبور کرده و به عرصه عمل و درمان راه یافته است (۳۰، ۳۴). در این میان، توجه ویژه وی به بدنمندی (Embodiment)، علائم بالینی، و تنوع روش‌های درمانی، نشان از رویکردی دارد که می‌توان آن را «پزشکی تلفیقی

۵-۲. مجربات: «مجربات» تألیف حکیم گیلانی، اثری ارزشمند در حوزه طب سنتی و داروسازی است که به زبان فارسی نگاشته شده است. در این اثر مؤلف با رویکردی عملی و کاربردی، به توصیف بیماری‌های مغز و اعصاب، دستگاه‌های تنفسی و گوارشی، پوست و مو پرداخته است. ویژگی بارز این کتاب، ارائه نسخه‌های دارویی متنوع برای درمان هر یک از بیماری‌هاست. حکیم گیلانی ضمن ذکر نام بیماری و ارائه توضیحی مختصر در مورد علل و علائم آن، به تجویز داروهای گیاهی مختلف، از جمله معجون‌ها، سفوف‌ها، روغن‌ها، مرهم‌ها و شربت‌ها می‌پردازد. این رویکرد، کتاب را به منبعی ارزشمند برای پزشکان و محققان طب سنتی تبدیل کرده است (۳). این اثر حاصل تجربیات ارزشمند و طولانی‌مدت حکیم گیلانی در عرصه پزشکی است و به نوعی دفترچه یادداشت‌های بالینی وی محسوب می‌شود. با توجه به فقدان مقدمه و خطبه در این اثر، تعیین دقیق زمان و انگیزه نگارش آن با چالش مواجه است (۲۹، ۳۱). با این حال، نسخه‌های خطی و چاپی متعددی از این کتاب در کتابخانه‌های معتبر و مراکز علمی موجود می‌باشد که از جمله آن‌ها می‌توان به نسخه خطی موجود در کتابخانه شخصی کوثر جان‌دپوری و نسخه چاپی موجود در دانشکده طب سنتی دانشگاه علوم پزشکی تهران اشاره کرد (۸-۷). همچنین چاپ عکسی از نسخه خطی این کتاب با عنوان «مجربات حکیم علی گیلانی» با تلاش محمدمهدی اصفهانی و به همت مؤسسه مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل دانشگاه علوم پزشکی ایران در سال ۱۳۸۷ منتشر شده است (۳۴). از دیگر آثار حکیم گیلانی می‌توان به «رساله فی الطب»، «السؤال و الجواب» (رساله‌ای درباره پزشکی و به روش سؤال و جواب) و «الشفاء العاجل» (درمان فوری) اشاره کرد. کتاب اخیر شامل مقدمه و پنج باب است و نسخه‌ای از آن به تاریخ کتابت ۱۲۷۵ قمری در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است (۱۵، ۳۵).

بومی‌شده (Localized Integrative Medicine) در هند قرن دهم هجری دانست (۷، ۹، ۱۱).

فراتر از طب، کنشگری حکیم گیلانی در حوزه مهندسی (ساخت «حوض علی») و سیاست (سفارت و صدارت) حاکی از ایفای نقش او در قالب یک چهره تمدنی (Civilizational Figure) است که میان دانش و قدرت، پیوند برقرار می‌کند (۷، ۱۱). مشارکت او در نهاد سلطنت نه تنها به بازتوزیع سرمایه نمادین (Symbolic Capital) انجامید، بلکه گفتمان غالب پزشکی را نیز تحت تأثیر قرار داد. این امر، در بازنمون اجتماعی (Social Representation) او به عنوان «جالینوس زمان» و «افلاطون ثانی» به‌وضوح قابل مشاهده است (۱۹، ۲۴).

با این حال، در ماجرای بیماری و مرگ اکبرشاه، می‌توان حدی از بحران کارایی (Crisis of Efficacy) در طب بومی‌شده دربار را مشاهده کرد؛ جایی که جایگاه طبیب از مقام مرجع درمانگر (Therapeutic Authority) به موضعی متهم نزول می‌کند. این نقطه، نمونه‌ای قابل تأمل از تقاطع میان دانش، سیاست و مسئولیت حرفه‌ای در چهارچوب تاریخ‌نگاری تطبیقی پزشکی (Comparative Historiography of Medicine) اسلامی - هندی است (۴، ۶).

محدودیت اصلی این پژوهش، فقدان نسخه‌های کامل برخی از آثار گیلانی و دسترسی دشوار به اسناد حاشیه‌ای دربار گورکانی است. پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آتی، با رویکردی میان‌رشته‌ای، به مطالعه نقش حکما در بازتولید گفتمان سلطنت (Reproduction of Royal Discourse)، علوم پزشکی و اقتدار معنوی (Spiritual Authority) در قلمروهای اسلامی - هندی بپردازند.

نتیجه‌گیری

بررسی زندگی، آثار و اندیشه‌های حکیم صدرالدین علی گیلانی هندی نشان می‌دهد که وی یکی از مصادیق برجسته حکمای ایرانی در عصر تبادل تمدنی صفوی - گورکانی بود که توانست دانش پزشکی را در چهارچوبی میان‌رشته‌ای، فرهنگی

و عملی بازتعریف کند. حکیم گیلانی، نه تنها با تألیفات نظیر شرح کلیات قانون و مجربات، سهم مهمی در تثبیت و تداوم سنت ابن سینایی ایفا کرد، بلکه با کنشگری در عرصه‌های مهندسی، سیاست و آموزش، الگویی از حکمت کاربردی و چندساحتی ارائه داد. حضور مؤثر او در ساختار قدرت، تعاملات فرهنگی ایران و هند را تسریع کرد و طب سنتی را از حاشیه به متن نهاد سلطنت کشاند. این مقاله با تمرکز بر نقش چندوجهی حکیم گیلانی، بر لزوم بازخوانی تاریخ پزشکی اسلامی با نگاهی تمدنی و تطبیقی تأکید دارد؛ نگاهی که در آن، طبیب تنها درمانگر نیست، بلکه حامل و خالق یک منظومه معرفتی - فرهنگی است.

لازم به ذکر است این مقاله برگرفته از طرح تحقیقاتی با عنوان «بررسی ساختار نظری و تجارب عملی داروسازی در آثار حکیم علی گیلانی هندی و تأثیر آن بر سنت داروسازی دوره صفویه» می‌باشد.

مشارکت نویسندگان

جمال رضایی اوریمی: ایده اولیه مطالعه، تهیه پیش‌نویس پژوهش، جمع‌آوری داده‌ها، تحلیل و تفسیر داده‌ها، انتخاب مجله و انجام امور مربوط به پذیرش مقاله، تصویب نهایی نسخه آماده‌شده جهت چاپ.

اعظم خسروی: جمع‌آوری داده‌ها، تحلیل و تفسیر داده‌ها، تصویب نهایی نسخه آماده‌شده جهت چاپ.

مریم شوشتری یگانه: جمع‌آوری داده‌ها، تحلیل و تفسیر داده‌ها.

علی جعفری: جمع‌آوری داده‌ها، تحلیل و تفسیر داده‌ها.

سیدعبداله محمودی و سیدامیرحسین لطیفی: تحلیل و تفسیر داده‌ها.

محمدحسین اسدی: جمع‌آوری داده‌ها، تحلیل و تفسیر داده‌ها، تصویب نهایی نسخه آماده‌شده جهت چاپ.

نویسندگان نسخه نهایی را مطالعه و تأیید نموده و مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته‌اند.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

تأمین مالی

این تحقیق توسط مرکز تحقیقات طب سنتی و تاریخ پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اراک تأمین مالی شده است (شماره اعتبار: IR.ARAKMU.REC.1401.153).

بیانیه هوش مصنوعی

در نوشتن مقاله، از هوش مصنوعی استفاده نشده است.

References

1. Esmailzadeh A, Moradi MH. Health Functions of Guilan Baladieh Association in Mashroote Era. *Medical History*. 2020; 11(41): 61-69. [Persian]
2. Jafarpour J, Tahmasebi S. Introduction and Identification of Guilani immigrants to India Focusing on Deccan. *Journal of Subcontinental Research*. 2017; 9(31): 45-62. [Persian]
3. Abdi A. Indian Persian-writing physicians and the importance of their works in Persian medical writing (10th to 13th centuries). Tehran: Alzahra University; 2019. [Persian]
4. Vasegh Abbasi R. Iranian Physicians at the Gurkanian Court in India. *Journal of Subcontinent Researches*. 2018; 9(33): 239-263. [Persian]
5. Badauni Abdul Qadir bin Malik Shah. *Montakhab al-Tawarikh*. Edited by Saheb Ahmad A. Tehran: Society for the Appreciation of Cultural Works and Dignitaries; 2001. [Persian]
6. Jan Ahmadi F, Behniyafar A. Civilizational Contributions of Iranian Physicians in Gurkani Royal Court. *Journal of Subcontinent Researches*. 2013; 5(15): 79-106. [Persian]
7. Chand Pouri A. Medical history during the Mughal rule of India (Aṭebbā'-e 'ahd-e muḡaliya). Tehran: Institute for the History of Medicine, Islamic and Complementary Medicine Studies; 2011.
8. Zell-al-Rahmān S. *Avicenna's Canon: Commentators and Translators*. Hamadan: Bu-Ali Sina University Publications; 2004. [Persian]
9. Elgood C. *Safavid Medical Practice: The Practice of Medicine, Surgery and Gynaecology in Persia Between 1500 A.D. and 1750 A.D.* Translated by Mohsen Javidan. Tehran: Tehran University Press; 1970. [Persian]
10. Razavi Borgheie SH. *An Introduction to Pharmacology and Pharmacy from the Safavids to Dar al-Fonoon*. Tehran: Entesharat Asar va Mafakher Farhangi; 2005. [Persian]
11. Nirwaseti H. *History of medical relations between Iran and Pakistan*. Tehran: Tehran University of Medical Sciences; 2003. [Persian]
12. Husain SA. Hakeem Ali Gilani: A commentator of canon of Avicenna. *Bulletin of the Indian Institute of History of Medicine (Heydarabad)*. 1997; 27(1): 47-52.
13. Khandmir Q. *The history of Habib al-Sir in the news of human beings*. Tehran: Ketabforoshi Khayyam; 1954.
14. Mehraein M, Rafiei A, Salim M. The Impact of Indian Gurkhani Religious Policy on the Migration of Iranian Physicians. *Journal of History*. 2022; 17(65): 1-24. [Persian]
15. Hakim Gilani A. *Al-Shafa al-Ajel*. Tehran: Majlis Library; 1849. [Arabic]
16. Farooghi R. *Islami Tib (Urdu)*. Hyderabad: Azam Steam Press; 1937.
17. Alami A. *Ain Akbari*. Lakhano: Matba' Munshi Nawal Kishore; 1893.
18. Torkamān E. *Tarikhe Ālam Araye Abbasi*. Tehran: Amir Kabir Publications; 2003. [Persian]
19. Shahnavaḡ Khan Aurangabadi. *Ma'asir al-Umara*. Edited by Mowlavi Abd ul-Rahim. Kolkata: No Name; 1888.
20. Jaggi OP. *History of Science and Technology in India*. Dehli: Ram; 1981.
21. Eslami Fard Z, Ahmadi N, Karimi B, Ghaffari F. The Role of Safavid Immigrant Physicians in Promoting Persian Language in the Indian Subcontinent. *Medical History*. 2016; 8(28): 19-26. [Persian]
22. Golchin Maani A. A Commentary on the Book of Tuzak Jahangiri, a Manuscript of the Library of Astan Quds Razavi and a Commentary on Bengali Actors and Hawze Hakim Ali Gilani. Tehran: Honar va Mardom; 1974. [Persian]
23. Gurkani NMJ. *Jahangirnameh (Tuzuk Jahangir)*. Edited by Hashem M. Tehran: Iranian Culture Foundation; 1980. [Persian]
24. Nafisi S. *History of poetry and prose in Iran and in the Persian language until the end of the tenth century AH*. Tehran: Foroughi Publication; 1984. [Persian]
25. Nasr SH. *Science and Civilization in Islam*. Translated by Ahmad Aram. Tehran: Kharazmi Publications; 1980. [Persian]
26. Tattavi AN. *History of Iran and Neighboring Countries in the years 850-984 AH*. 1st ed. Edited by Al-Davood A. Tehran: Fekre Rouz, Kolbeh; 1999. [Persian]
27. Pirmia H, Eqbal Ashtiani A. *History of Iran from the beginning to the extinction of the Qajar dynasty*. Tehran: Negah Publication; 2021. [Persian]
28. Bakkari SHF. *Zakhira al-Khavanin*. Karachi: Moeen al-Hagh; 1961-1974.
29. Masoum Ali Shah M. *Taraeḡh Al-Haghaeḡh*. Edited by Mahjoob MJ. Tehran: Ketabkhaneh Barani; 1946.

30. Hakim Gilani A. *Sharh al-Qanoon*. Tehran: Islamic Consultative Assembly Library; 1849. [Arabic]
31. Razi AA. *Haft Eghlim*. Tehran: Aliakbar Elmi Publications; 1601. [Arabic]
32. Monzavi A. *List of Persian manuscripts*. Tehran: Regional Development Cooperation Organization; 1969. [Persian]
33. Amoli SH-M. *Hamel al-Matn Jame al-Sharhin*. Tehran: Research Institute for the History of Medicine, Islamic Medicine and Supplementary Studies, Iran University of Medical Sciences; 2009. [Persian]
34. Hakim Gilani A. *Mojarabbat Hakim Ali Gilani*. Introduced by Isfahani MM. Tehran: Iran University of Medical Services; 2008. [Persian]
35. Montasab Mojabi H. *A study of Shiite medical texts in the history of medicine*. Kermanshah: Razi University Publication; 2006. [Persian]
36. Rezaei Orimi J, Adabinia SZ, Shakeri T, Hashemimehr SMJI. Research on the Life and Scientific Works of Physicians of Tabaristan in the Period of Islamic Iran. *Islam and Health Journal*. 2023; 8(1): 53-69. [Persian]
37. Rezaei Orimi J, Asadi SH. Introduction and Critique of the Paper "Medicine of the Safavid Era Relying on Western Travelogues". *Iranian Journal of Medical Ethics and History of Medicine*. 2022; 15(1): 105-121. [Persian]
38. Asadi MH, Van Hee R, Khosravi A, Shojaee R, Changizi-Ashtiyani S, Amini S. The historical course of varicose vein surgery in the Persian medicine. *Acta Chirurgica Belgica*. 2023; 123(6): 589-600.
39. Nasiri E, Orimi JR, Hashemimehr M, Aghabeiglooei Z, Rezghi M, Amrollahi-Sharifabadi M. Avicenna's clinical toxicology approach and beneficial materia medica against oral poisoning. *Archives of Toxicology*. 2023; 97(4): 981-989.
40. Rezaei Orimi J, Amrollahi-Sharifabadi M, Aghabeiglooei Z, Nasiri E, Mozaffarpur SA. Rhazes's methodology in the science of toxicology. *Archives of Toxicology*. 2023; 97(1): 93-102.
41. Aghabeiglooei Z, Rezaei Orimi J, Tajik N, Vatanparast A, Amrollahi-Sharifabadi M, Mojahedi. *Hakim Shifai (16th Century AD): Bibliography and Contributions to Medicine and Pharmacology*. *Journal of Research on History of Medicine*. 2025; 14(1): 75-80.
42. Khosravi A, Changizi-Ashtiyani S, Haghverdi F, Tavan B. The Innovations of Rhazes (854-925 AD) in the Diagnosis and Treatment of Kidney Diseases. *Medical History*. 2019; 11(38): 111-120. [Persian]
43. Changizi-Ashtiyani S, Mansouri Z, Asadi MH, Khosravi A, Ghasempour M, Bastani B, et al. The effects of the six principles of hygiene in maintaining health and preventing eye diseases from the perspective of medieval Persian medicine. *The Open Public Health Journal*. 2023; 16(1): 1-8.